

کنفرانس اسلامی تهران

پیروزی مهمی برای ایران

هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی با موفقیت چشمگیری در تهران برگزار شد. این اجلاس برای هر ایرانی و مسلمان علاقمند به سرنوشت حال و آینده کشور و جهان اسلام قابل توجه و اهمیت است.

سازمان کنفرانس اسلامی در سال ۱۹۶۹ میلادی، بعد از آتش زدن ساختمان اصلی و قدیمی مسجدالاقصی، قبله اول مسلمانان جهان و دومین مکان مقدس آنان (بعد از مکه معظمه) که بعد از جنگ ۱۹۶۷ توسط صهیونیست‌ها اشغال شده بود، تأسیس شد. آتش زدن مسجدالاقصی توسط یهودیان افراطی بازتاب وسیعی در جهان اسلام یافت و آنچنان موجی در افکار عمومی پدید آورد که سران کشورهای اسلامی را به نشان دادن واکنشی در برابر این تهدید ناگزیر ساخت. بدین ترتیب، اولین اجلاس سران کشورهای اسلامی با انگیزه اتخاذ یک سیاست واحد و مشترک درباره سرنوشت قدس شریف و مسجدالاقصی برگزار شد. اما زمینه‌های عمیق سیاسی - اجتماعی برای ایجاد یک نهاد بین‌المللی اسلامی، با شرکت مسلمانان، از سالهای قبل فراهم شده بود؛ زمینه‌هایی که بخش عمده‌ای از آنها ریشه در آموزشهای قرآنی دارد. براساس چنین زمینه‌هایی، حتی در سالهای قبل از تأسیس سازمان کنفرانس اسلامی، کنگره‌های اسلامی متعددی در کشورهای اسلامی، با شرکت متفکران، اندیشه‌ورزان مردمی و نمایندگان دولتهای اسلامی برگزار شده بود. ولی هیچ یک از آنها، بنا به علل و دلایل گوناگون ادامه نیافت. اما سازمان کنفرانس اسلامی توانست به حیات خود ادامه دهد. در واقع، تأسیس این سازمان پاسخ به یک نیاز اساسی و عمیق سیاسی، اجتماعی و دینی مسلمانان بوده است.

در دوران جنگ سرد و تقابل دو بلوک شرق و غرب، سازمان کنفرانس اسلامی در موقعیت ویژه‌ای قرار داشت و با توجه به مجموعه‌ای از عوامل و گرایشهای حاکم بر آن، ابزاری برای مقابله با رشد و توسعه نفوذ بلوک شرق در کشورهای اسلامی بود. با پایان گرفتن جنگ سرد و فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، روابط دنیای غرب - یا به طور عام، نیمکره صنعتی شمالی - با جهان اسلام وارد مرحله تازه‌ای شد. در حالی که طیفی از محافل و قدرت‌های غربی، به دنبال نیاز به یک «دشمن»، سعی کرده‌اند و می‌کنند که «اسلام فوییا» (ترس موهوم از اسلام) را جایگزین خطر موهوم کمونیسم سازند، آینده تمدن بشر به همکنشی میان غرب و جهان اسلام بستگی پیدا کرده است. این وضعیت تعریف تازه‌ای از سازمان کنفرانس اسلامی را می‌طلبد. کنفرانس اسلامی نه می‌تواند در چارچوب‌های گذشته به حیات خود ادامه دهد و نه می‌تواند ضرورت وجود و حضور خود را نادیده بگیرد. هشتمین کنفرانس سران در چنین شرایطی در تهران برگزار شد و اهمیت سخنرانیهای ایراد شده را باید از این زاویه بررسی کرد.

همچنین، زمان برگزاری هشتمین اجلاس سران کشورهای اسلامی از ویژگی منطقه‌ای مهمی نیز برخوردار بود؛ این ویژگی به بن‌بست رسیدن روند صلح خاورمیانه است. در واقع، بیش از بیست سال است که قدرتهای غربی، به ویژه شرکت‌های نفتی آمریکایی، برای حل نهایی بحران خاورمیانه تلاش کرده‌اند. در حالی که اعراب علی‌الاصول شرایط صلح را - صرف نظر از غیرعادلانه بودن آن - پذیرفته‌اند، دولت غاصب اسرائیل با تمام قوا از ایفای تعهداتش خودداری می‌ورزد و بنابراین، مسئولیت بن‌بست روند صلح کاملاً بر عهده صهیونیست‌ها می‌باشد. در چنین شرایطی، طرح یک برنامه جدید برای خاورمیانه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر شده است. اما هیچ برنامه جدیدی بدون مشارکت ایران معنا و مفهوم نخواهد یافت. در واقع، یکی از رؤس برنامه جدید کنفرانس جلب مشارکت ایران می‌باشد. حتی اگر هدف دیگر آن این باشد که با تحت فشار قرار دادن صهیونیست‌ها فرایند صلح را از نابودی کامل نجات دهند، باز هم طراحی برنامه جدید مورد نیاز می‌باشد. حضور فعال سران دولت‌های عربی متنفذ منطقه در کنفرانس بازتاب توجه به این واقعیت و ضرورت می‌باشد. کنفرانس تهران آغاز نیکو و مناسبی برای طراحی یک برنامه جدید به سود منطقه و ایران است. در مقابل، شکست کنفرانس دوحه در قطر دقیقاً به این علت بود که در آنجا هیچکس انتظار رویداد و خبر تازه‌ای را نداشت.

اما عامل سوم در موفقیت کنفرانس تهران، تحول شگفت‌انگیز انتخابات دوم خرداد ۷۶ بود. پدیده باور نکردنی دوم خرداد دیدگاهها و داوریهایی جهانی را نسبت به انقلاب ایران و ملت ما تعدیل و تصحیح کرد. انتخاب آقای خاتمی به ریاست جمهوری، با برنامه‌های مترقی توسعه سیاسی، رفع موانع ایجاد جامعه مدنی، آزادی احزاب و اجتماعات، قانونمند شدن رفتارهای دولتمردان و مردم، صداقت و یکرنگی در کلام و عمل رئیس جمهور منتخب، نه تنها مردم کشورمان را جلب کرد، بلکه موجب توجه جهانیان به چهره دیگری از انقلاب اسلامی ایران شد.

درست است که تصمیم به برگزاری اجلاس تهران از سه سال پیش در مراکش گرفته شده بود، اما همه می‌دانند که اگر شرایط داخلی ایران و اوضاع خاورمیانه مناسب نبود، کنفرانس تهران برگزار نمی‌شد و یا با این درجه از موفقیت به انجام نمی‌رسید.

در هر حال، فارغ از این که چه علل و اسباب موجبات برگزاری اجلاس تهران را فراهم ساخت، برگزاری این اجلاس، با توجه به تعداد و اهمیت شرکت‌کنندگان، یک پیروزی بزرگ برای ایران محسوب می‌شود و برای کشورمان واجد اهمیت فوق‌العاده‌ای در اتخاذ سیاست‌های خارجی و داخلی می‌باشد.

از نظر روابط خارجی، ایران بعد از ۱۸ سال انزوای مژمن، با یک پیش درآمد و مقدمه بسیار خوبی وارد صحنه بین‌المللی شده است و به عنوان ریاست سازمان کنفرانس اسلامی در سه سال آینده، در موقعیتی قرار گرفته است که می‌تواند قدرت و خلاقیت دیپلماتیک خود را در این صحنه کارزار به دنیا نشان دهد. به عبارت دیگر، انتخاب رئیس جمهور ایران به عنوان رئیس سازمان کنفرانس اسلامی یک چیز است و اعمال موفقیت‌آمیز مدیریت آن، مقوله دیگری است و این موفقیت حاصل نخواهد شد مگر آن که دولتمردان ایران، با واقع‌بینی و به دور از شعارهای رایج، با چنین مسئولیت خطیری برخورد کنند. این امر به دولتمردان ایران، بیش از هر زمان، کمک خواهد کرد که به مقررات و قوانین دیپلماسی حاکم بر مناسبات بین‌المللی توجه کنند. بررسی عملکرد ایران در اجلاس سران در تهران نشان داد که مقامات ایرانی به این نکات توجه پیدا کرده‌اند و این خود یکی از دلایل رضایت سران شرکت‌کننده در اجلاس تهران بوده است. اجلاس تهران و احراز ریاست سازمان کنفرانس اسلامی تجربه خوبی برای بسیاری از

دولتمردان ایران است که عملاً به این جمع‌بندی برسند که اولاً حضور و فعالیت در صحنه‌های بین‌المللی به معنای چشم‌پوشی از ارزش‌ها و مواضع و سازش‌کاری از موضع ضعف نمی‌باشد و ثانیاً، هر یک از دولت‌های جهان براساس منافع سیاسی و اقتصادی و اولویت‌های ملی خود وارد صحنه می‌شود و تحقق آنها را در مناسبات جهانی پیگیری می‌کند. پایداری و پافشاری بر مواضع و ارزش‌ها در روابط خارجی بخش اجتناب‌ناپذیر فعالیت‌های دیپلماتیک هر دولت است. بنابراین، پای فشردن بر مصالح و منافع ملی اشکالی در روابط بین‌المللی به وجود نمی‌آورد، بلکه اشکال و بحران هنگامی بروز می‌کند که بازیگران صحنه مقررات دیپلماسی را نفهمند و یا نخواهند به آنها احترام بگذارند. رفتار مقامات مسئول ایران در اجلاس تهران، به رغم برخی پیشینه‌ها، نشان داد که این اجلاس تأثیر خود را بر جای گذاشته است. از این حیث نیز باید از برگزارکنندگان ایرانی اجلاس تشکر کرد. نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که گرچه ریاست ایران طی سه سال آینده ممکن است موجبات تغییرات مثبتی را در سازمان کنفرانس اسلامی فراهم آورد، اما نباید تصور کرد و انتظار داشت که مشکلات جهان اسلام با این قطعنامه‌ها و یا با ریاست ایران بر سازمان حل و فصل گردد. بسیاری از مشکلات جهان اسلام ریشه در مناسبات نژادی، قومی و مذهبی ملت‌های مسلمان از یک طرف و ساختارهای سیاسی و اقتصادی و تعصبات دینی و مذهبی از طرف دیگر دارد. عوامل بیرونی نیز از همین زمینه‌های درونی بهره‌برداری می‌کنند. تا زمانی که این مشکلات به طور ریشه‌ای حل نشود، نباید انتظار رفع آنها را در کوتاه مدت داشت.

برگزاری اجلاس تهران و انتخاب ایران به ریاست سازمان کنفرانس اسلامی در درازمدت نیز بر اوضاع داخلی ایران اثر خواهد گذاشت. همان‌گونه که در کوتاه‌مدت، به علت برگزاری اجلاس تهران، برخی از حوادث و آشوب‌های در حال تحریک و توسعه به ناچار متوقف شد و فروکش کرد، در درازمدت نیز اثرات مثبت آن بروز خواهد کرد.

در این کنفرانس مطالب فراوان، متنوع و جالبی از سوی مسئولان ایرانی مطرح گردید که هر کدام به نوعی نظر شرکت‌کنندگان در اجلاس و ناظران بین‌المللی را جلب کرد. اما اگر مسئولان نخواهند و یا نتوانند آنچه را در سخنان خود بیان کرده‌اند، در کشور خودمان پیاده کنند، نخواهند توانست الگو و سرمشقی برای دیگران باشند. در دنیای کنونی کسی از ما نمی‌پذیرد که به مصداق «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ»^{*}، مردم و دولت‌های اسلامی را به چیزی دعوت کنیم که آن را از مردم خویش دریغ می‌کنیم. بها دادن به مردم، ایجاد جامعه مدنی، تساهل و تسامح، تکثر افکار و اندیشه‌های سیاسی و فرهنگی و... که دولت‌های اسلامی بدانها دعوت شده‌اند، چیزهایی است که جامعه کنونی ما بیش از هر زمان به آنها نیازمند است.

باید بدانیم که کشورهای اسلامی از جهت ساختارهای سیاسی، اقتصادی، مذهبی و فرهنگی، میزان اعتقاد و تعهد واقعی سران آن به اسلام، درجه استقلال ملی یا وابستگی به بیگانگان و پایبندی به اصول اخلاقی، وضعیت بسیار متفاوتی دارند. اگر دولت ایران نتواند مسائل و مقولاتی را که در اجلاس تهران مطرح کرده و خود را نسبت به آنها متعهد ساخته است در کشور خودمان که تکثر و تنوع فکری، مذهبی و سیاسی و تفاوت‌ها و اختلافات گروهی در آن به مراتب کمتر از چنین تکثر و تنوعی در کل جهان اسلام است پیاده کند، هیچ دلیل عقلی و منطقی ما را امیدوار نخواهد ساخت که بتواند در سطح سازمان

^{*} (بقره، ۴۴) چگونه شما که مردم را به نیکوکاری فرمان می‌دهید، خود را فراموش می‌کنید؟

کنفرانس اسلامی موفق گردد. در آن صورت، ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی نخواهد توانست تحولی متناسب با شأن ملت ایران و انقلاب اسلامی در این سازمان پدید آورد و ریاست ایران بر سازمان هیچ تفاوت اساسی با ریاست‌های قبلی نخواهد داشت.

امیدواریم که ریاست ایران بر سازمان کنفرانس اسلامی موجب شود که دولت ایران خود را ملزم به رعایت برخی از مسائل از جمله حقوق و آزادی‌های اساسی ملت، خصوصاً در ارتباط با احزاب و گروه‌های سیاسی دگراندیش یا به تعبیر رئیس جمهور محترم، مخالفان وفادار بنماید.

همچنین، امیدواریم که این امر موجب شود که ایران با اجرای بی‌کم و کاست حقوق و آزادی‌های اساسی ملت، مصرح در قانون اساسی و تحقق برنامه‌ها و تعهدات ریاست جمهوری، به یک کشور الگو و نمونه از حیث توسعه سیاسی - و به دنبال آن، توسعه اقتصادی - در جهان اسلام تبدیل گردد.

* * *

نهضت آزادی ایران موفقیت قابل توجه و چشمگیر ایران را در برگزاری آبرومندانه، منظم و با شکوه هشتمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی در تهران به همه دست‌اندرکاران، تصمیم‌گیرندگان، اجراکنندگان، مدیران و مسئولان، به ویژه به جناب آقای خاتمی ریاست محترم جمهوری، صمیمانه تبریک می‌گوید و معتقد است که هر ایرانی علاقمند به سربلندی ایران عزیز از موفقیت اجلاس تهران احساس غرور و افتخار می‌کند و خواهان موفقیت‌های بیشتر سازمان در سالهای آینده است.

نهضت آزادی ایران